

دوتا ۲۸۲	عهد عتیق / ۱۷
	اول و دوم تواریخ
T = معلم ۱ (تدریس توسط معلم ۱)	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه تعلیمی، فرصت خواهید داشت با کتاب مقدس آشنا شوید. هنگامی که به این برنامه گوش می‌دهید، در دفترتان، یادداشت بردارید یا برنامه را ضبط کنید. امروز کتابهای اول و دوم تواریخ را بررسی خواهیم کرد. در مورد منشأ آن، خصوصیتش به عنوان مکاشفه الهی، و نیز تقسیم‌بندی اش مطالبی خواهیم آموخت. همچنین پیامهای اصلی کتابهای اول و دوم تواریخ ایام را از نظر خواهیم گذرانند.

### نکته یک- منشأ کتابهای تواریخ ایام

#### اول- نام کتاب.

در زبان عبری، کتابهای تواریخ، "کتاب ایام یا وقایع روز به روز" پادشاهان نامیده شده است. (منشأ عنوان غربی "تواریخ" از یکی از پدران کلیسا، یعنی جروم است که اظهار داشت این کتابها، تواریخ ایام کل تاریخ الهی هستند).

#### دوم- تفکیک بصورت چهار کتاب.

دو کتاب تواریخ و کتابهای عزرا و نحμία در اصل يك کتاب واحد را تشکیل می‌دادند، که آن را با عنوان کتاب "تواریخ بزرگ" خواهیم نامید. این مطلب خوبی با مشاهده تکرار شدن بند پایان کتاب تواریخ در بند مقدماتی کتاب عزرا مشهود است، به استثنای آنکه بند پایانی تواریخ، در وسط یکی از جملات، نیمه تمام مانده است. این چهار کتاب دارای مشخصه مشترکی هستند. همگی دارای فهرست نسب‌نامه، و زبان و سبک نگارشی مشترک می‌باشند، و همینطور تأکیدات مشترک مبنی بر پاک نگاه داشتن زندگی عبادتی اسرائیل با این هدف که اسرائیل قوم راستین خدا باشند.

#### سوم- نویسنده و زمان و تاریخ نگارش.

کتابهای تواریخ چگونه نوشته شدند؟ قبل از هر چیز بسیار روشن است که نویسنده با پنج کتاب شریعت (تورات) و کتابهای تاریخی یوشع، سموئیل و پادشاهان آشنایی کافی دارد، زیرا از مطالب این کتابها بسیار استفاده کرده است. محتوا و حتی ترتیب وقایع، با کتابهای سموئیل و پادشاهان شباهت فراوانی دارد. در وهله دوم، نویسنده کتاب خودش به فهرست چشمگیری از منابعی اشاره می‌کند که برای تألیف تواریخ ایام بکار برده است. او به ۱۷ منبع مختلف اشاره می‌کند، برای مثال، از "دفتر اخبار ایام داود پادشاه" (اول تواریخ ۲۷: ۲۴)، "سفر اخبار سموئیل رای و اخبار جاد رای و اخبار ناتان نبی" (اول تواریخ ۲۹: ۲۹)، و "تواریخ پادشاهان یهودا و اسرائیل" (دوم تواریخ ۱۶: ۱۱). او تقریباً با ذکر هر نکته یا هر پادشاه، منبعی را که اطلاعات خود را از آن استخراج کرده بود نقل می‌کند.

کتابهای تواریخ در چه زمانی نوشته شدند؟ نویسنده باید در زمانی بین آخرین وقایع ثبت شده در این کتابها، یا پس از آن زیسته باشد. نحμία ۱۳: ۶ به سی و دومین سال سلطنت ارتحشستا (اردشیر)، پادشاه بابل، اشاره می‌کند که برابر بود با سال ۴۳۲ قبل از میلاد و فهرستهای موجود در اول تواریخ ۳: ۱۹-۲۴ درباره نسل زروبابل است، که از نسل داود پادشاه، تا نسل ششم یعنی زروبابل و تا سال ۴۰۰ قبل از میلاد ادامه دارد.

چه کسی کتابهای تواریخ را نوشت؟ کتاب مقدس به هويت نویسنده کتابهای تواریخ هیچ اشاره‌ای نکرده است. نویسنده کتابهای تواریخ تا حد زیادی از دیدگاه نبوتی-آخرت‌شناسانه حزقیال نبی تأثیر پذیرفته است. او در انتظار ملکوت خدا بسر می‌برد (مرقس ۱۵: ۴۳) و همینطور در انتظار تسلی یافتن اسرائیل (لوقا ۲: ۲۵). شکست در هرگونه اقدام برای برقرار کردن سلطنت خداسالارانه در حوزه اسرائیل، که "کتاب بزرگ تواریخ" در مورد آن گواهی می‌دهد، باعث شد تا نویسنده در اشیاق انجام شدن اظهارات انبیا در مورد مسیح موعود باشد، که قرار بود سلطنتی ابدی برقرار سازد. بر پایه اطلاعات داخلی، چنین نتیجه می‌گیریم که کتابهای تواریخ، عزرا و نحμία در زمانی نه پیشتر از ۴۰۰ قبل از میلاد توسط شخصی ناشناس نوشته شده که بطور قطع تحت الهام روح القدس قرار داشته است.

### نکته ۲- تقسیم‌بندی کتابهای تواریخ ایام

موضوع کتابهای تواریخ عبارت است از "تاریخ خداسالاری در پرتو عهد خدا با ابراهیم، اسحاق و یعقوب". کتابهای تواریخ را می‌توان به چهار بخش به شرح زیر تقسیم کرد:

بخش نخست متشکل است از اول تواریخ ۱: ۱ تا ۹: ۳۴. موضوع این بخش عبارت است از "تاریخ خداسالاری از آغاز تا زمان برقراری آن در اسرائیل". مطالب آن برگرفته از کتابهای پیدایش، اعداد، روت و سموئیل می‌باشد. این بخش حاوی نسب‌نامه‌های ثبت شده از زمان آدم تا داود است. هدف آن این است تا بتواند در مورد جایگاه قوم اسرائیل در بین تمام نژادهای بشری دیگر، و همینطور ساختار آن، توضیحاتی بدهد. "فصل ۱" نسب‌نامه‌های آدم، نوح و ابراهیم را ذکر می‌کند. در "فصل ۲" نسب‌نامه یهودا ثبت شده است. در "فصل ۳" نسب‌نامه داود ثبت شده که از پادشاهان یهودا تا ششمین یا یازدهمین نسل، یعنی زروبابل را در بر می‌گیرد. در "فصل ۴" نسب‌نامه شمعون ثبت شده که همیشه ارتباط تنگاتنگی با یهودا داشته است. در "فصل ۵" نسب‌نامه‌های اسباط بخش شرقی اردن ثبت شده است. در "فصل ۶" نسب‌نامه لاوی ثبت شده است و از نسلهای هارون، الیعازر و صادوق، تا زمان پایان یافتن تبعید را شامل

می‌شود. این بخش همینطور سه خاندان لاوی، یعنی جرشوم، قهات و مراری را شامل می‌شود، و همینطور هیأت نوازندگان معبد را که داود تشکیل داده بود یعنی، همان، آساف و ایطان. در "فصل ۷" بطور مختصر اسباط دیگر اسرائیل ثبت شده‌اند. زبولون در اینجا حذف شده است که شاید این به خاطر اشتباه در کتابت باشد. در "فصل ۸" نسب‌نامه بنیامین ثبت شده که همیشه ارتباط تنگاتنگی با یهودا داشته است. در "فصل ۹" ساکنین اورشلیم پس از خاتمه تبعید ثبت شده‌اند. بخش دوم متشکل است از اول تواریخ ۹: ۳۵ تا ۲۹: ۳۰. موضوع این بخش عبارت است از "تاریخ خداسالاری تحت داود پادشاه". در "فصل ۹: ۳۵-۴۴" نسب‌نامه شاول پادشاه، یعنی اولین پادشاه اسرائیل ثبت شده است. "فصل ۱۰" شکست شاول را که به مرگ وی منتهی شد بازگو می‌کند. دومین بخش از کتاب تواریخ را می‌توان به دو قسمت دیگر تقسیم‌بندی کرد. قسمت اول متشکل است از "فصلهای ۱۱ الی ۲۰" و حاوی مجموعه‌ای از روایات و آمارهایی است که به مقدار زیاد مشابه کتابهای سموئیل است. قسمت دوم متشکل است از "فصلهای ۲۱ الی ۲۹" و مشتمل است بر کارهایی که داود برای بنای معبد، و همینطور برای سازماندهی مجدد خدمات معبد و برای نظارت کشوری و نظامی بر پادشاهی انجام داد، که اینها مطالبی است که هیچگونه پیوندی با کتابهای سموئیل ندارد. بخش سوم متشکل است از دوم تواریخ فصلهای ۱ الی ۹. موضوع آن عبارت است از "تاریخ خداسالاری تحت حکومت سلیمان پادشاه". بر بنای معبد و جلال آن تأکید شده است. مطالب عمدتاً با کتاب پادشاهان مشابهت دارند. سلیمان بعنوان بناکننده معبد چیزی جز مجری نقشه‌های داود نیست. بخش چهارم متشکل است از دوم تواریخ فصلهای ۱۰ الی ۳۶. موضوع آن عبارت است از "تاریخ خداسالاری تحت حکومت پادشاهان یهودا". تنها زمانی به پادشاهان پادشاهی شمالی اسرائیل اشاره شده است که آنها بصورت متفقین یا دشمنان پادشاهی جنوبی یهودا ظاهر شده‌اند. مطالب این بخش تقریباً بصورت کلمه به کلمه همانند کتاب پادشاهان می‌باشند، اما مطالب جدید دیگری نیز از منابع دیگر اضافه شده‌اند که اغلب تصویر ذهنی بجا مانده از هر پادشاه را دچار تغییر می‌سازد. بجای شرح ویرانی اورشلیم و معبد، تنها اشاره‌ای به آن شده است. پس از شرح مختصری از زمان تبعید، فرمان کوروش، پادشاه فارس ثبت شده است. این فرمان در نیمه جمله ناتمام مانده اما بصورت کامل در آغاز کتاب عزرا تکرار شده است.

### نکته ۳ - پیام اصلی کتابهای تواریخ.

#### اول - عهد خدا با ابراهیم، اسحاق و یعقوب در کتابهای تواریخ.

**یک.** "این عهد، محور و قلب کتابهای تواریخ است". نویسنده کتابهای تواریخ از نقطه دید بسیار منحصر بفردی به تاریخ اسرائیل توجه می‌کند که نظیرش در هیچ‌یک از نویسندگان دیگر کتاب مقدس دیده نمی‌شود. این "تاریخ" پادشاهان یا تاریخ اسرائیل بصورت یک قوم یا حتی تاریخ معبد نیست که بصورت محور این کتاب محسوب شود، بلکه آن "عهدی" که خدا با ابراهیم بسته، محور و قلب اصلی این کتاب است. خدا به ابراهیم وعده داده بود که "از نسل ابراهیم جمیع قبایل جهان را برکت بدهد" (پیدایش ۱۲: ۳).

**دو.** "منظور از عهد، آن عهدی است که با ابراهیم بسته شده، و نه عهدی که بر کوه سینا تأیید شد". نه عهد خدا با موسی، بلکه عهد خدا با ابراهیم است که بعنوان عهد راستین قلمداد می‌شود و نقطه اوج تاریخ اسرائیل محسوب می‌شود. نه احکام خدا به موسی، بلکه وعده خدا به ابراهیم است که رابطه بین خداوند و قوم خویش را تنظیم می‌کند! در **اول تواریخ ۱۶: ۱۵-۱۷** نویسنده می‌نویسد: "**توجه** از ترجمه تفسیری خواننده شود". بنابراین، ابراهیم، اسحاق و یعقوب "پدران" قوم نامیده شده‌اند (اول تواریخ ۲۹: ۱۸). پس حداقل ۳۰ مرتبه خداوند "خدای پدران ما" خوانده شده و ملت اسرائیل "نسل ابراهیم، دوست خدا" (دوم تواریخ ۲۰: ۶-۷) و "فرزندان یعقوب" نامیده شده‌اند (اول تواریخ ۱۶: ۱۳).

**سه.** "عهد بسته شده با ابراهیم در داود ادامه دارد." عهدی که با موسی بر کوه سینا بسته شد چیزی بیش از یک مرحله انتقالی قلمداد نمی‌شود. اما عهدی که با ابراهیم بسته شد بار دیگر با داود پادشاه تأیید شد و در خاندان داود ادامه یافت. در **اول تواریخ ۲۸: ۴**، داود می‌فرماید: "**توجه** از ترجمه تفسیری خواننده شود". بطور یقین داود پادشاه همان کسی قلمداد می‌شود که کار موسی را تکمیل کرد، زیرا او بر اساس احکام موسی پرستش را در معبد احیا و مجدداً سازماندهی کرد (دوم تواریخ ۸: ۱۴ و ۲۳: ۱۸-۱۹ و ۲۹: ۲۴-۳۶). داود پادشاه بطور مخصوص کسی است که وعده‌های عهد داده شد به ابراهیم، اسحاق و یعقوب، در او ادامه یافتند. حدود ۲۰۰ سال پیشتر، ارمیای نبی پیشگویی کرده بود که عهد خدا با ابراهیم، اسحاق و یعقوب، با داود پادشاه و کهنانت لاویان ادامه می‌یابد و اینکه تا دواوم روز و شب، آن عهد نیز باید پایدار بماند (ارمیا ۳۳: ۱۷-۲۶).

**چهار.** "عهد با داود، با ظهور آن مسیح پادشاه به نقطه اوج خود خواهد رسید". نویسنده کتاب تواریخ بطور روشن انتخاب شدن داود پادشاه را در پرتو انتظار برای ظهور آن مسیح موعود می‌نگریست. داود پادشاه بوضوح "نمونه"، یعنی مثال یا نمادی است از آن مسیح پادشاه که باید می‌آمد. در **اول تواریخ ۱۷: ۱۰-۱۴**، خدا به داود می‌فرماید: "**توجه** از ترجمه تفسیری خواننده شود". در دوم سموئیل ۷: ۱۱-۱۶، ناتان نبی خطاب به داود پادشاه نبوت کرد: "نسل تو از خود تو خواهد بود". اما در اول تواریخ ۱۷: ۱۰-۱۵، نویسنده تحت الهام می‌فرماید: "نسل تو از

پسران تو خواهد بود". بدین ترتیب نویسنده تحت الهام کتابهای تواریخ، جایی خالی برای ظهور آن مسیح پادشاه باز گذاشت.

پس بر اساس کتابهای تواریخ، حتی عهد استوار شده با داود پادشاه نیز بعنوان پایان نهایی و انجام تلقی نمی‌شود. نویسنده کتابهای تواریخ که تحت الهام است، تاریخ اسرائیل را بعنوان فرمانروایی خداسالاری ارائه می‌دهد که بالاخره خود را در سطحی بسیار عالی‌تر ظاهر خواهد ساخت و در همه نهادهای قانونی و ملی قوم اسرائیل متجلی خواهد شد. با ظهور آن مسیح پادشاه، "خداسالاری در ملت اسرائیل" تبدیل خواهد شد به "سلطنت مسیح در سراسر جهان". حدود ۲۰۰ سال پیشتر، ارمیای نبی نبوت کرده بود که خدا باعث رویانیدن "شاخه‌ای" از خاندان داود خواهد شد. او پادشاهی خواهد بود که با فطانت سلطنت می‌کند و آنچه را که انصاف و درست است در سرزمین انجام می‌دهد (ارمیا ۲۳: ۵ و ۳۳: ۱۵). و حدود ۴۰۰ پس از آن، عیسی اعلام کرد: "ملکوت خدا نزدیک است. پس توبه کنید و به انجیل ایمان بیاورید" (مرقس ۱: ۱۵، متی ۱۲: ۲۸).

### **دوم - خداسالاری در کتابهای تواریخ ایام**

**یک** "خداسالاری محور واقعی تاریخ اسرائیل است." نویسنده کتابهای تواریخ به خداسالاری به عنوان محور واقعی تاریخ اسرائیل می‌نگرد. در تاریخ اسرائیل همه چیز به انتخاب شدن داود و اورشلیم منتهی می‌شود. به همین علت است که در ۹ فصل اول، نویسنده کتاب، یهودا، اورشلیم و داود را در مرکز قرار می‌دهد. پادشاهی شمالی اسرائیل با پیروی از یربعام و بت‌پرستی او، از قلمرو خداسالاری خارج شده بود. به همین علت است که در مورد پادشاهی شاول و حتی داود در جبرون، بصورت مختصر و گذرا ذکری آمده تا نشان بدهد که سلطنت داود بر اوستی در زمانی آغاز شد که او در اورشلیم به پادشاهی رسید. به همین علت است که اسباط یهودا و بنیامین می‌توانند در مقام "اسرائیل" واقعی عمل کنند و بیشتر بنام "اسرائیل" خوانده شده‌اند تا بنام "یهودا" (دوم تواریخ ۱۲: ۱ و ۶؛ و ۱۵: ۱۷ و ۲۳: ۲ و ۲۴: ۱۶ و ۲۸: ۲۳). به همین دلیل، دوستی با پادشاهی شمالی اسرائیل گناه تلقی می‌شود (دوم تواریخ ۱۸: ۱ و ۱۹: ۲ و ۲۰: ۳۷). اسرائیل شمالی، خدای عهد را ترک کرده بود، و بنابراین آنها در شرح تاریخ خدا با قوم عهد خویش، و هم در تاریخ خداسالاری هیچ جایی ندارند.

**دو** "خداسالاری سلطنتی است الهی، که خود خدا از طریق نهادهای ثابت فرمانروایی می‌کند." این خدا است که بعنوان پادشاه واقعی اسرائیل تلقی می‌شود. دوم تواریخ ۹: ۸ می‌فرماید که "کرسی" پادشاه، "کرسی خدا است" و اینکه سلیمان "پادشاه"، بر کرسی خدا می‌نشیند و "به نیابت از یهوه خدایش سلطنت می‌کند". به همین دلیل است که "پادشاهی" یهودا "سلطنت خداوند" نامیده شده است (دوم تواریخ ۱۳: ۸). و به همین دلیل است که "همه چیز به خداوند تعلق دارد"، یعنی سرزمین، ساکنین آن، پادشاهان آن، انبیا و کاهنان آن نیز. "سرزمین" بعنوان "میراث خداوند" به اسرائیل بخشیده شده است (دوم تواریخ ۶: ۲۷). "شهرها به خدا تعلق دارند" (اول تواریخ ۱۹: ۱۳). "لشکر، قوای خدا هستند" (دوم تواریخ ۱۴: ۱۳). و "جنگها، جنگهای خداوند می‌باشند" (اول تواریخ ۵: ۲۲ و دوم تواریخ ۳۲: ۸). "خدا از طریق پادشاهان یهودا، و نیز انبیا و کاهنان حکومت می‌کند. "انبیا" در کتابهای تواریخ نقش برجسته‌ای دارند، اما "عملکرد کاهنان بیش از پیش از صحنه خارج می‌شود. هر چند کاهنان از نظر دور می‌شوند، اما زندگی مذهبی اسرائیل اینچنین نمی‌گردد. زندگی مذهبی اسرائیل، صورت بیرونی خداسالاری بود (حزقیال فصلهای ۴۰ الی ۴۸). به همین دلیل است که کتابهای تواریخ تأکید می‌کنند که پادشاهان یهودا برای پاک نگاه داشتن زندگی مذهبی اسرائیل چه فعالیت‌هایی انجام دادند. آنها هیکل را بنا کردند، سبط لاوی را مجدداً سازماندهی کردند و حتی به خدمات داخل معبد شکل بخشیدند.

در چنین سلطنت الهی یا خداسالاری، "معبد"، عمداً "خانه‌ای بعنوان آرامگاه تابوت عهد خداوند" نامیده شده است (اول تواریخ ۲۸: ۲). و همچنین قصر یا قلعه‌ای (با ساختار يك کاخ) "برای خداوند" (اول تواریخ ۲۹: ۱). در این سلطنت الهی، نقش "کاهنان و لاویان" آن است که بعنوان "محافظان شخصی خداوند" عمل کنند (دوم تواریخ ۲۳: ۶-۷). "خدمت معبد" که مشتمل می‌شد بر قربانیها، سرودها و موسیقی، با این هدف بود تا "خدای پادشاه" را جلال بدهند و در حضور او، و از نزدیک بودن به معبد شادمان باشند (عزرا ۳: ۱۱ و نحما ۱۲: ۲۴). "مواردی که قوم اسرائیل در معبد جمع می‌شدند، یعنی در محلی که «حضور خدا» را تجربه می‌کردند، رویدادهای برجسته تاریخ اسرائیل محسوب می‌شوند" (دوم تواریخ ۷: ۳ و ۲۹: ۲۷-۲۸).

"خداسالاری" ماهیتاً "سلطنت صلح و آرامی" است (اول تواریخ ۱۷: ۹). در این خداسالاری، "پادشاه" "مرد صلح و آرامی" خواهد بود (اول تواریخ ۲۲: ۹). به همین دلیل است که "معبد" باید مکانی دور از خونریزی باشد (اول تواریخ ۲۲: ۸ و ۲۸: ۳). پیش از این در تنبیه ۱۷: ۱۴-۲۰، برقراری آتی سلطنت الهی یا خداسالاری ذکر شده بود. زمانی که اسرائیل در سرزمین کنعان "آرامی" یافتند (اول تواریخ ۱۷: ۹ و ۲۳: ۲۵)، زمان برقراری این سلطنت الهی یا خداسالاری فرا رسید. در خاندان داود، خداسالاری شکل و صورت ثابتی به خود گرفت (دوم تواریخ ۶: ۵-۶). خداسالاری تحت حکومت داود مطابق اراده خدا بود (اول تواریخ ۱۰: ۱۴ و ۱۱: ۳ و ۱۰). داود پادشاه، پادشاه مسح‌شده از سوی خداوند بود و اورشلیم مکان سکونت خدا.

**سه** "برقراری خداسالاری تحت فرمانروایی آن مسیح پادشاه، تحقق عهد خواهد بود". وعده‌های خدا به داود در اول تواریخ ۱۷ بعنوان "عهدی" تلقی می‌شوند که خدا با داود بست (دوم تواریخ ۶: ۱۶ و ۷: ۱۸ و مزور ۱۳۲: ۱۱-۱۲ و ۸۹: ۳، ۴). با وجود این، در پرتو مکاشفه پیوسته خدا که با پاتریاها آغاز شد، این امر همان عهد

تلقى می‌گردد. از نقطه نظر وعده خدا به داود که در دوم سموئیل ۷ آمده، این عهد باید از طریق نسل مستقیم داود، یعنی سلیمان و پادشاهی یهودا تداوم یابد. اما بر طبق وعده خدا به داود در اول تواریخ ۱۷: ۱۰-۱۴، "نقطه انجام و تحقق این عهد، در زمان آمدن آن مسیح موعود و سلطنت ابدی او است". نویسنده اصطلاح "نسل تو از صلب تو بیرون خواهد آمد" را به صورت "نسل تو از پسران تو خواهد بود" تغییر داده است. و همچنین "کرسی سلطنت او را استوار خواهم کرد" را به صورت "کسی که بر کرسی اسرائیل بنشیند برای تو منقطع نخواهد شد" تبدیل کرده است (دوم تواریخ ۶: ۱۶ و ۷: ۱۸). پس او اشاراتی را که در کتابهای سموئیل به سلیمان پادشاه شد بود، در کتابهای تواریخ به صورت اشاراتی برای ظهور آن مسیح پادشاه تبدیل کرده است (میکاه ۵: ۱). پس نویسنده الهام‌یافته کتابهای تواریخ آشکار کرد که عهد موجود در عهد عتیق با آمدن آن مسیح موعود و ملکوت او متحقق خواهد شد، یعنی عیسی مسیح و ملکوت مسیح (دوم قرن‌نیا ۶: ۱۶ و اول پطرس ۲: ۹-۱۰).

دوم تواریخ ۶: ۴۲ می‌فرماید: "ای یهوه خدا روی مسیح خود را برنگردان و رحمت‌های بنده خود داود را بیاد آور". این یادآور اشعیا ۵۵: ۳ می‌باشد که می‌فرماید: "من با شما عهد جاودانی یعنی رحمت‌های امید داود را خواهم بست". اشعیا نبی و نویسنده کتاب تواریخ، هر دو در انتظار تحقق و انجام شدن وعده عهد خدا با داود پادشاه بودند. دوم تواریخ ۱۳: ۵ درباره عهد خدا با داود بعنوان "عهد نمکین" یاد می‌کند که اشاره‌ای است به خصوصیت نقض‌ناپذیر عهد خدا با داود. بر مبنای آن عهد، داود تبدیل شد به "پادشاه بر خانه خدا و سلطنت خدا تا به ابد" (اول تواریخ ۱۷: ۱۴). بر مبنای آن عهد، سلیمان پادشاه شد و "بر کرسی سلطنت خداوند بر اسرائیل نشست" (اول تواریخ ۲۸: ۵) و خدا او را "بر کرسی خدا نشانید تا برای یهوه خدایش [به نیابت از او] پادشاه شود" (دوم تواریخ ۹: ۸؛ اول پادشاهان ۱۰: ۹). بر مبنای آن عهد، یهودا "سلطنت خداوند" است، یعنی خداوند سلطنت خود را از طریق نسل داود اعمال می‌کند (دوم تواریخ ۱۳: ۸).

بطور خلاصه: کرسی داود چیزی کمتر از کرسی خدا نیست. به همین دلیل است که پادشاهان خاندان داود، مهمترین شخصیتها در خداسالاری محسوب می‌شوند. و به همین دلیل است که آنها مسؤول هستند تا از دعوت بلند خود آگاه باشند، همچنانکه داود بود. پادشاهان خاندان داود در تحقق این خداسالاری توفیق نیافتند، اما آن مسیح پادشاه، یعنی عیسی مسیح شکست نخواهد خورد.

### تکلیف برای هفته آینده

- اول. در طول هفته آینده، ایوب ۱-۴۲ را بخوانید. هفته آینده، به معرفی کتاب ایوب خواهیم پرداخت.
- دوم. کتابهای دستور عمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی [www.dota.net](http://www.dota.net) مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار می‌کنم ....
- سوم. هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش دهید.